



اما وودهاوس دختری زیبا و باهوش و ثروتمند بود، خانه‌ای راحت و دلی خوش داشت، بیشترین موهبت‌ها را در زندگی‌اش گرد آورده و تا بیست و یک سالگی با کمترین آزرده‌گی یا خشمی روبه‌رو شده بود.

او دختر کوچک‌تر پدری بسیار مهربان و نرم‌خو بود و از چند سال پیش، با ازدواج خواهر بزرگ‌تر، به خانم خانه تبدیل شده بود. مادرش مدت‌ها پیش مرده بود، طوری که نوازش‌هایش را به زحمت به یاد می‌آورد و دایه‌ای که جایگزین او شده بود زنی نیک‌خو بود و محبتش کمتر از عشق مادر نبود.

دوشیزه تیلر شانزده سال را در منزل آقای وودهاوس، بیشتر مثل یک دوست تا دایه، گذرانده بود و هر دو دختر را بسیار دوست داشت، ولی اما را بیشتر. با این حال، نزدیکی‌اش به اما بیشتر خواهرانه بود و حتی پیش از آنکه عنوان دایه از خانم تیلر